

ادامه از صفحه اول

یادمانی برای نکوداشت اهداکندگان کتاب وسند

یک سازه سه‌تکه‌ای با ابعاد متفاوت در سه سبز که تداعی‌گر شخصیت‌های بزرگ و کوچکی است که در این سرزمین هر یک به سهمی و مقداری در ساخت تمدنی که امروز ما ناظر و شاهدش هستیم، مشارکت یا نقش داشته‌اند. در هر سازه اسامی اهداگران روی آجرهای برنزی که هر کدام پنجره روی این سازه را شکل می‌دهند، همچون پنجره‌ای که رویه آینده پیش پای ملت خود گذاشته‌اند، حک و نصب می‌شود. اسامی‌ای که هر کدام دریچه‌ای پیش‌روی آینده کشوده و چراغی پیش پای مردمان این سرزمین برفروخته‌اند. این یادمان یکی از مدرن‌ترین آثار پرویز تناولی است و شاید به لحاظ ابعاد یکی از بزرگ‌ترین آنها باشد که با همکاری و همراهی شاکرد میرز ایشان مونا یاد ساخته و در محوطه سفقدار کتابخانه ملی نصب شده است.
تناولی در مسیر کارنامه هنری خود، ابتدا از دست‌سازه‌های ساده و با ابزارهای دم‌دستی آغاز کرد و بعد کارهایش رفته‌رفته متأثر از سنت ایرانی با گرایش به سبک اصیل سقاخانه، که مملو از نشانه‌ها و المان‌های کوچک و بزرگ برآمده از فرهنگ، تاریخ و ادبیات ماست، رنگ و لعاب ایرانی گرفت و بعدتر با رجعت دوباره به مدرنیته و این بار با اهمیت‌دادن به مکتب‌هایی همچون مبنی‌مالیست‌های غربی، دست به ساخت آثاری زد که در عین سادگی، پیچیده و در عین بی‌معنایی، پر از مفاهیم عمیق انسانی است. به‌خصوص آثار یادمان اهداگران یکی از ساده‌ترین و در عین حال پرمعنی‌ترین آثار اوست، چه در شکل و ظاهر ساختی و چه در شکل و ظاهر محتوایی و طراحی. آنچه اثر یادمان کتابخانه ملی ایران ساخته پرویز تناولی را دارای ویژگی منحصربه‌فرد دیگری می‌کند، عبور تناولی از تناولی به احترام کسانی است که نامشان بر این یادمان حک خواهد شد. تناولی با ارائه ساده‌ترین کار خود سعی کرده توجهات را از روی اثر به اسامی معطوف کند و خود را کنار بگذارد، تا بی‌شمار کسانی که باعث و بانی ساخت این عظمت و شکوه فرهنگی هستند، جلوه کرده و دیده شوند.
شاید برخی فکر می‌کنند یک بنای یادبود باید شکل عجیبی می‌داشت یا کار پیچیده‌ای می‌طلبید، آنچه در آثار فرهاد و دیگر آثار تناولی هم نمونه‌هایی از آن را سراغ داریم و پیش از این دیده بودیم، در صورتی که تناولی با اجرای چنین طرح سهل و متمتعی نشان داده که ساخت و ایده اثر معطوف به هدف و منظور آریست است و هنرمند در این یادمان بیش از آنچه بخواهد اثر خارق‌العاده‌ای به وجود بیاورد، می‌خواسته کسانی که در شکل‌گیری این تمدن و فرهنگ ما اهدا و ازخودگذشتگی خود نقش داشته‌اند، دارای اهمیت شوند و به چشم بیایند. همین است که وقتی به یادمان نگاه می‌کنیم بیش از هر چیز، این اسامی هستند که ما را جذب می‌کنند و نه سازه‌ای که آنها را در بر گرفته است. پرویز تناولی در این اثر، چه در فرم ساخت، چه در ابعاد کار و چه در رنگ‌بندی و چیدمانی که به کار بسته است، تمام سعی خود را به کار بسته تا نگاه‌ها را متوجه این امر پسندیده یعنی اهدای کتاب و سند و اسامی کسانی کند که به نوعی قوام‌بخش و تقویت‌کننده نهادی بوده‌اند که مصاره دانش و تمدن ما را در خود گرد آورده و از آن حفاظت و پاسداری می‌کند. باید اذعان کرد مسیری که به ساخت این یادمان منجر شد، حضور تناولی و انبوه اسامی‌ای که روی آن جای گرفته یا خواهند گرفت، به نوعی نشانگر اعتبار و ارزشی است که کتابخانه ملی نزد اهل اندیشه و هنر در این کشور دارد و رولایتگر سرمایه نمادین این نهاد در قدرت فرهنگی و نرم در روزگار ماست.
نهادی که اراده کند می‌تواند بزرگان یک کشور را گرداگرد خود جمع کرده و با دست خالی غنی‌ترین جایگاه فرهنگی و منزلت اجتماعی را ایجاد کرده و همچون اثر تناولی، آثار بسیاری را از این گرداگردی و هم‌افزایی شکل دهد یا در اندرون خود بسپارد، اگر برند ارزشمند آن شناخته و در راستای اهداف بزرگی متناسب با جایگاه، نقش و پتانسیل‌های موجود آن به کار بسته شود. جایی که اگر بخواهم نام‌های شقیفته آن را ذکر کنم باید به عدد تمامی کسانی که در این خاک زندگی کرده و خطی بر کاغذ آورده‌اند، اسم به پیوست این نوشتار اضافه کنم. کسانی که اگرچه به اندرون کتابخانه ملی راه ندارند، ولی از برون دل و جانشان برای این جایگاه مقدس برای اهل فرهنگ می‌تپد.

ما و شورای نگهبان

به نظر می‌رسد شورای نگهبان برای رسیدگی به صلاحیت داوطلبان به برخی از مسائل یادشده، یا بسیاری از آنها توجه نکرده است و مصداق آن، اعلام برنامه یکی از نامزدهای تاییدشده در روز دوم خردادماه به بیان شخص ایشان است که در روزنامه «شرق» مورخ سوم خرداد ۱۴۰۰ درج شده است که مختصرا به آن می‌پردازیم. آیا شورای نگهبان می‌تواند بر درستی این نظرات صحه بگذارد؟ و صلاحیت تدبیر و مدیریت ایشان را تایید کند؟ ایشان گفته‌اند «به‌عنوان جریان دوم انقلاب مدلی را برای اصلاح حکمرانی تهیه کرده‌ایم و نظام‌های مدیریتی کشور را تغییر می‌دهیم». به‌فرض آنکه این بیان با توجه به معانی واقعی آن گفته شده باشد، در حقیقت بیانی است از گفته‌های اخیر آقای تاجزاده که خواستار اصلاح حکمرانی شده‌اند. رئیس جمهور نمی‌تواند حکمرانی جمهوری اسلامی ایران را که بر پایه ولایت فقیه، قانون‌گذاری مجلس و تفکیک قواست، تغییر دهد و نظام‌های مدیریتی کشور که ایشان به آن اشاره کرده‌اند، این‌گونه موارد است.

ادامه در صفحه ۵

شرق: «انتخابات ریاست‌جمهوری» و «نشست وین» دو موضوع مهم این روزهای کشور است. رئیس‌جمهوری نیز روز گذشته در جلسه هیئت دولت به این دو موضوع اشاره کرد. حسن روحانی انتخابات و صندوق رأی را مهم‌ترین مسئله کشور دانست و درباره نشست وین نیز گفت که مسائل اصلی با آمریکایی‌ها حل‌وفصل شده است.»
برخی از کلمه همه‌پرسی خوش‌شان نمی‌آید او در ابتدا به انتخابات پرداخت و با اشاره به اینکه راه‌حل امام (ره) برای اداره کشور از طریق انتخابات و مردم بود، گفت: «نظریه امام (ره) این بود که مردم نقش اصلی و تعیین‌کننده در قدرت و اداره کشور داشته باشند و بر همین نظریه هم جمهوری اسلامی را بنیان‌گذاری کرد. به‌همین دلیل خیلی‌ها مخالف بودند و می‌گفتند الان موقع انتخابات و رأی‌گیری نیست». روحانی به همه‌پرسی نیز اشاره کرد و افزود: «حالا بعضی‌ها از کلمه همه‌پرسی خیلی خوش‌شان نمی‌آید؛ اما اساس نظام و نهضت ما با همه‌پرسی شروع شد و در همان سال اول انقلاب پنج همه‌پرسی و انتخابات مهم انجام گرفت». اصل پنجاه‌ونهم قانون اساسی می‌گوید: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و

سیاست

حسن روحانی خطاب به برخی نامزدها:

اگر بهتر می‌توانید مذاکره کنید، اهلا و سهلا

مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. در خواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد».
بهمن سال ۹۸ روحانی به‌عنوان اول خود دستور داد تا لایحه همه‌پرسی درباره نظر شورای نگهبان از اصل ۹۹ قانون اساسی را تهیه و ارائه کند؛ اصلی که براساس آن شورای نگهبان نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری را برعهده دارد. حزب اتحاد ملت ایران اسلامی در نامه‌ای از رئیس‌جمهور درخواست ارائه لایحه قانونی به مجلس برای همه‌پرسی درباره نظریه تفسیری شورای نگهبان از اصل ۹۹ قانون اساسی را کرده بود که روحانی در پی‌نوشت این نامه دستور داد: «لایحه‌ای برای اصلاح بخش نظارت با کمک جناب آقای دکتر رحمانی‌فضلی، سرکار خانم دکتر جنیدی و جناب آقای دکتر امیری حقوقی تهیه و ارائه شود». اسحاق جهانگیری پس از دستور رئیس‌جمهور در پی‌نوشت نامه‌ای به معاون حقوقی رئیس‌جمهور، نوشت: «سرکار خانم جنیدی، پیشنهادی در اولین فرصت تهیه شود تا پس از بررسی در جلسه‌ای به دولت ارائه شود». هر دو انتخابات یازدهم مجلس در سال ۹۸ و انتخابات ریاست‌جمهوری امسال، با انتقاد رئیس‌جمهور به شورای نگهبان مواجه شده و حسن روحانی از

تشدید دوقطبی در اصولگرایی

حمله به رضایی، فاز تازه اصولگرایان



مه‌دی کروبی و آیت‌الله خامنه‌ای در جلسه‌ای

به‌جای برنامه است که اجرائی‌شدن اغلب آنها می‌تواند پیامدهای نامطلوبی برای اقتصاد ایران داشته باشد. وعده‌های وی در مورد تورم و مالیات از این جنس است. ثانیاً، به نظر می‌رسد محسن رضایی در دام سیاست‌های عوام‌فریبانه افتاده و با ضرب و تقسیم‌ها و رسیدن به اعدادی جذاب، خواسته یا ناخواسته می‌خواهد حواس فقرا را جمع کند. مانند پرداخت یارانه ۴۵۰هزارتومانی (که چه‌بسا غیرممکن است) و حقوق به زنان خانه‌دار. ثانیاً؛ تناقضات موجود در صحبت‌های محسن رضایی به‌قدری واضح است که نیازی به توجیه ندارد. وی می‌خواهد ارزش پول ملی را حفظ کند و از آن طرف هر طرحی ارائه می‌دهد، بر پول‌پاشی (که منشأ تورم است) تأکید می‌کند؛ مانند طرح جریان زیان و بیمه سرمایه‌گذاران بورس». یک فعال سیاسی اصولگرا روزنامه‌ای نوشته بود محسن رضایی در سال‌های گذشته تلاش‌هایی را برای راه‌اندازی دولت برنامه‌محور انجام داده و می‌تواند در قامت یک رقیب در برابر رئیسی ظاهر شود. یک تحلیلگر اصلاح‌طلب نیز نوشته بود که به نظر تنها کسی که در مسئله رقابت با رئیسی جدی است، محسن رضایی است؛ مابقی را باید نامزدهای الکی برای خالی‌نبودن عرصه به حساب آورد. البته اگر ناچار نشود مانند قالیباف در سال ۹۶ در لحظات آخر کنار بکشد! «شرق» نیز پیش از ردصلاحیت علی لاریجانی، پیش‌بینی شکل‌گیری یک سه‌ضلعی را

نماید و در این بودجه اعتیاری برای افزایش ۱۰برابری یارانه دیده نشده است. البته کاندیدای مذکور می‌تواند برای سال‌های بعد در این خصوص وعده دهد اما بایستی منابع تهیه این یارانه را به‌دروستی تبیین نماید. ضمن اینکه سؤال جدی بسیاری از کارشناسان این است که آیا نظام فعلی پرداخت یارانه اساساً اقدام صحیح و هدفمندی است یا اینکه باید این شیوه به کلی تغییر کند». این در حالی است که هم‌زمان محسن رضایی هم در توییت‌ر ایده ساخت یک میلیون مسکن رئیسی را از بابت اصالت آن مورد انتقاد قرار داده و بدون واردن در او نوشته است: «ساخت یک میلیون واحد مسکن، طرح خاص و ایده ویژه هیچ کاندیدایی نیست. این قانون مصوب مجلس محترم است و تمام دولت‌ها موظف به اجرای آن هستند». او در ادامه به طرح نهضت مسکن ایرانیان که جزه برنامه‌های خودش است، اشاره کرده و نوشته است: علاوه بر یک میلیون واحد مسکن مصوب، سالانه یک میلیون واحد مسکن هم با احیای بافت فرسوده خواهیم ساخت. فرهیختگان هم محسن رضایی را صفحه اول عکس و تیت‌ر یک کرده و به او عنوان کنایه‌آمیز «متخصص ساده‌انگاری» را داده است. این روزنامه در گزارش مفصلی به نقد ایده‌ها و برنامه‌های دبیر مجمع تشخیص صلحت پرداخته و نوشته است: «اولاً، یکی از نقض‌هایی که در صحبت‌های محسن رضایی وجود دارد، کلی‌گویی و ارائه هدف و متغیر

نحوه رد صلاحیت‌ها گله کرد. رئیس‌جمهوری روز گذشته همچنین با بیان اینکه من الا ان نمی‌خواهم نطق خداحافظی انجام بدهم، گفت: «ما دو ماه دیگر در خدمت مردم هستیم و من در پایان دولت و به‌موقع حرف‌هایی را که باید گفته شود، خواهم گفت. ما الا ان بعد از هشت سال به نقاط خوبی رسیدهایم و همه امروز به تعامل سازنده افتخار می‌کنند و هیچ‌کس از تقابل استقبال نمی‌کند. امروز همه از مذاکره صحبت می‌کنند و فقط بعضی‌ها می‌گویند اگر ما باییم بهتر مذاکره می‌کنیم. خوب چه بهتر. اگر می‌توانید اهلا و سهلا. مهم این بود که بفهمید راه درست، مذاکره و تعامل با جهان است و الحمدلله در این هشت سال این موضوع را فهمیدید». او با تأکید بر اینکه ما به عقب برنمی‌گردیم، بیان کرد: «امروز هیچ کسی نمی‌تواند بگوید برجام بد است. اگر می‌تواند بیاید بگوید. امروز الحمدلله می‌بینیم مسائل اصلی ما با آمریکایی‌ها در مذاکرات حل‌وفصل شده و حالا چند مسئله فرعی باقی مانده که آنها را هم با مذاکره به نتیجه می‌رسانیم. اگر اراده بر این باشد که در این دولت این کار انجام شود، این دولت این کار را انجام داده است. من فعل ماضی به کار می‌برم و ما فعل مضارع نداریم. ما کارمان را انجام داده‌ایم و تمام کردیم».

بین لاریجانی، رئیسی و رضایی داده بود. با ناکامی لاریجانی از ورود به انتخابات و موضع‌گیری‌های اخیر محسن رضایی، به نظر می‌رسد شاهد یک دوقطبی، این‌بار از درون جریان اصولگرایی خواهیم بود؛ جبهه موسوم به انقلاب در مقابل محسن رضایی. برای همین سایت اصولگرای جهان‌نیوز در واکنش به این گزارش روز گذشته نوشت: «حضور محسن رضایی در گفت‌وگوی ویژه خبری و حرف‌هایش به‌خصوص تعریضی که بر سیدابراهیم رئیسی داشت، جریان اصلاحات را که به داشتن یک گزینه جدی مقابل رئیسی امیدوار نیست، به این فکر انداخت که از رضایی ساخته و در مقابل رئیسی قرار دهد!». اما ادعای دوقطبی‌شدن که به‌جز «شرق» رسانه‌هایی مانند جهان صنعت و خبرآنلاین نیز درباره آن نوشته‌اند، ناظر بر سخنان مشخص و شفاف و موضع‌گیری‌های خود محسن رضایی است؛ مانند همان توییت قبلی‌اش درباره خرده‌گرفتن به ایده یک میلیون مسکن رئیسی. او بازی را در روزهای گذشته با این گفته‌ها آغاز کرد: «من با دوستان قوه قضائیه یک بحث جدی دارم، اخیراً آقای دادستان تهران به یک طریقی آمده نامزدهای انتخاباتی را تهدید کرده است، من می‌گویم آقای دادستان آیا آقای رئیسی هم مدنظر شما است؟ توجه داشته باشید ما نباید کاری کنیم که ذهنیت نادرستی در جامعه ایجاد شود. مثلاً اگر خطایی در ستاد آقای رئیسی بروز کند، می‌تواند با ایشان برخورد کنند؟». در توییتی هم آورد: «در آزمون‌های تستی وقتی تشخیص گزینم درست سخت است، از روش حذف گزینه استفاده می‌شود. مردم ما با حذف گزینه‌هایی که «برای رئیس‌جمهورشدن نیامده‌اند» یا ممکن است این سولیت‌را «نیمه‌کاره رها کنند»، می‌توانند گزینه درست‌را پیدا کنند». سایت خبرآنلاین در گزارشی پیش‌بینی کرده که دوقطبی بین رضایی و رئیسی می‌تواند به پاشنه‌آشیل رئیسی تبدیل شود و حتی اگر باعث شکست او نشود، با کشاندن انتخابات به دور دوم، پیروزی احتمالی رئیسی را به کاشم تلخ کند؛ چراکه بسیاری بر این باورند که با حذف رقبای قدر رئیسی از سوی شورای نگهبان، او برنده بل‌منازع انتخابات است و اگر در چنین وضعیتی انتخابات به دور دوم کشیده شود، خود می‌تواند به تنهایی برای رئیسی یک شکست باشد؛ شکست بابت پیروزشدن در همان دور اول و پیروزی سخت.

مجلس هستند افرادی که حداقل به وعده وعیده‌ای غیرقابل‌اجرای دوستان خود که امروز نامزد انتخابات شده‌اند، نقد وارد می‌کنند و مدافع برایی ستادهای انتخاباتی در بهارستان نیستند. برای نمونه کاظم دلخوش‌ابتری، درباره حضور نمایندگان در ستاد تبلیغاتی برخی از نامزدهای سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، گفت: نماینده مجلس حق دارد مانند سایر مردم دارای سلیقه باشد و این یک امر طبیعی است، از آن‌یز از حقوق هر انسانی که در جامعه دارد. برخوردار است اما قانون اساسی در اصل ۵۷ قوا را از یکدیگر تفکیک کرده است و هرکدام از آنها به سهم خودشان بر اساس اختیارات و وظایفی که وجود دارد، باید برای مردم در کشور تلاش کنند؛ نمایندگان مجلس از جانب مردم برای قانون‌گذاری انتخاب شده‌اند. هر نماینده‌ای کسی موافق و یک‌سری مخالف دارد و اگر بنا باشد در کار انتخابات و تبلیغات برای دیگری ورود کنند، قطعاً به حق و حقوق مردم آسیب می‌زند. وی ادامه داد: از این هفت نفر یک نفر رأی می‌آورد و اگر کسی که مدنظر نماینده مربوطه است، از بین این تعداد رأی نیاورد، همین امر باعث آسیب به مردم منطقه‌شان و کشور می‌شود و اساساً موجب یک بی‌نظمی می‌شوند که در شان مجلس هم نیست. دلخوش تأکید کرد: ما بند ۲۰۲ و اصل ۵۷ را در قانون اساسی داریم که جایگاه مجلس و نمایندگانش را که در تمام امور مملکت می‌توانند قانون‌گذاری کنند، مشخص کرده است. این نماینده مجلس شورای اسلامی درباره اینکه گفته می‌شود نماینده‌ها در ستاده مسئولیت می‌پذیرند که بعدها به وزارتخانه برسند و رهبری هم در این مورد هشدارهایی را دادند، گفت: نماینده جایگاه خودش را دارد و به اعتقاد من نماینده نباید کاری به وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرائی داشته باشد؛ یعنی نماینده وظایف خودش را انجام دهد. هر دولتی که تشکیل شد، افراد خودش را باید بیارد و نماینده هم باید تعهداتی را که آن دولت به مردم داده است، پیکری کند و تذکر بدهد.

ادامه از صفحه اول

پس از فرود

جایگاه او بند و چاه است و بس، چراکه نه در سرش مغز است و نه در تنش رگ». خسرو از خون برادر و کین پدر، خسته‌جگر و آزرده بود و در خود می‌پیچید، سپاه را خوار کرد و از خود براند و پیوسته از مرگان خون فشاند، هیچ یک از سران سپاه را نپذیرفت که روانش از مرگ برادر سخت درهم شکسته شده بود. توس و گودرز می‌دانستند چه ناخبردی‌ها کرده‌اند و خود در ماتم نشسته، نمی‌دانستند با جانیی که مرتکب شده‌اند، چه کنند و چه‌گونه کیخسرو، شهریار ایران را آرام گردانند. سرانجام به نزد رستم رفتند که او پایمردی کند، با این پیشوزش که آنچه باید رخ می‌داد، رخ داده است وگرنه هیچ کس آهنگ رزم با فرود را نمی‌داشته و در آنچه واقع گردیده، همه ناتوان و دست فروبسته بودند. کجا توس آرزوی کشته‌شدن فرزندش، زرّسپ و دامادش ریو را می‌داشته، هرگز اندیشه آزدن خسرو به سر توس راه نیافته و آنان به روشنی نمی‌دانستند که آن جوان، برادر خسرو و فرزند سیاوش است و او را ترکی پنداشته بودند که سودای مبارزه با سپاه ایران را دارد و از رستم خواستند تا خواهشگری کرده، شهریار به جوانی‌اش، آنان را ببخشد و به خسرو بگوید تنها نواده کاووس‌کی در این میانه کشته نشد که فرزند توس نیز هلاک کردید و فرجام جنگ چنین است. دیرنهام همان روز، تهمتن به نزد شاه رفت، زمین ادب بیوسید و او را بسیار بستود و گفت: «شهریارا، به خواهشگری آمده‌ام تا بر توس و سپاه او ببخشایی. تو خود نیک‌تر می‌دانی که هیچ کس بی‌بھانه نمی‌میرد و آنچه رخ داده، تقدیر الهی بوده وگرنه کسی در سپاه ایران نسبت به برادر شهریار ایران گمان بد نمی‌داشته. در سرشت توس تندی و خشم هست، اما ناهشیاری و کین‌جویی نیست، این تلخ رویداد، دل همگان را خسته و رنجور گردانیده، گویی دست تقدیر پروتان‌تر از آن بوده که توس را بازدارد تا فرزند خویش، زرّسپ را به قتلگاه بفرستد و خون آن جوان برومند این‌گونه بی‌گناه بریزد». خسرو در پاسخ رستم گفت: «ای پهلوان ایران‌زمین، دلم از ریخته‌شدن خون برادر سخت آزرده است، اگرچه دلم پردرد و پیچان است، اما سخن تو مرا آرام می‌گرداند». آن‌گاه رستم اجازه خواست تا توس به درگاه شهریار ایران آید و آرزو کرد دل شاه نسبت به او گرم گردد. شهریار ایران با اکراه خواهشگری رستم را پذیرفت و اجازه داد توس به بازگاه او وارد شود. رستم در پاسخ، شهریار را آفرین کرد با این آرزو که تا روزگار روزگار است، جوادان و انوشه بماند و همچنان زمین‌، بنده او باشد و تاج و تخت او پایدار و کبیتی دستمایه فر و شکوه او. آن‌گاه توس بار یافت، زمین بیوسید، پوش‌خواه سر فروافتند و گفت: «من خود، دلی آکنده از غم دارم برای آنچه رخ داده؛ که اندوه من دوگانه است، تیمار فرزند و تیمار فرود و فراتر از همه جانم آکنده از شرم شهریار ایران است و برای جان پاک فرود و زرّسپ، درونم چون آتشکده‌ای در تب و تاب است و می‌دانم گناه‌کار هستم و خود پیوسته خویشتن را سرزنش می‌کنم، اگر شاه فرصتی دوباره به من دهند، بروم و کین خون سیاوش را بگیرم و آن پستی را به بلندی رسانم و همه رنج لشکر را بر دوش کشم؛ خواه دشمنان ایران را از پای درآورم و خواه خود را راه آبروی ایران جان بسپارم. بر آتم که از این پس آرام و راحت بر خود حرام گردانم و جز ترک رومی، کلاهی بر سر نهم و همه همت خویش را در راه حفظ آبروی ایران و گرفتن انتقام خون سیاوش به کار گیرم». شاه با شنیدن این سخنان آرام گرفت که دلی مهربان داشت و دل او اندیشه‌کن‌روزی نبود. روز دیگر که شاه بر سپاه ببخشد، رستم با گروهی از سرداران سپاه و پهلوانان ایران‌زمین به درگاه آمدند و شهریار به آنان گفت: «دیدید چه‌گونه منوچهر، انتقام خون نیای خویش، ایج را از سلم و تور گرفت و دامن خویش را از تنگ پاک گرداند و اکنون خون سیاوش بر زمین مانده و بسیاری از گودرزبان در این میانه کشته شده‌اند و در دشت‌های تورانیان هنوز دست و پای بریده و درهم شکسته ایرانیان پراکنده است. کویا سودای آن دارید که روزگار را به خوشی بگذرانید و از آنچه تورانیان با شما و نیاکان‌تان کرده‌اند، آسان بگذرید». دلریان سپاه ایران چون رستم را، گرین، گودرز، توس، خردادبیزن، زنگه شاوران، بیژن و گيو و دیگر کندآوران از شرم در برابر شهریار ایران سر فرو افکنده ایستاندند و سپس بر خاک بوسه زده، گفتند: «ای شهریار نیک‌اختر شیردل، ما همه بنده تو هستیم و از آزردگی خسرو سخت شرمندهایم، اگر شهریار ایران فرمان جنگ صادر فرماید، همه ما آماده فرسشانی هستیم». شهریار چون این سخن بشنید، گيو را نزد خود فراخواند و او را بر جایگاهی رفیع بنشاند و بناوختش و خلعتش بخشید و به او گفت: «اگر من بر اورنگ شهریاری تکیه زده‌ام، به لطف تو بوده است». و افزود اینک که سپاه را به فرماندهی توس روانه توران‌زمین می‌کند، توس نباید بدون مشورت با او، دست به اقدامی بزند و او نیز هرگز در سپاهی‌گری تندی نکند که کاری سهمگین است و نباید این نبرد را خُرد بشمرد و آرزو کرد روان او و برادرش، بهرام و خاندان گودرز پیوسته روشن بماند.

ادامه در صفحه ۵